

مقدمه:

مروری بر مشکلاتی که بر تولید محصولات کشاورزی در کشور مترتب است، ضرورت بررسی همه‌جانبه مسئله مهمی همچون زمین را بدور از هیاهو و جنجال صدچندان می‌کند.

در گذشته به این موضوع اشاره شد که عوامل مؤثری در کاهش تولید محصولات کشاورزی دخالت داشته و دارد که چنانچه با این موانع بطور ریشه‌ای برخورد نشود مشکل است ما بتوانیم در حد خود کفایتی از منابع تولیدی در بخش کشاورزی بهره‌برداری نمائیم لذا مواردی همچون زمین، آب، اوقات، کود، نهاده‌ها و ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی و آموزش کشاورزان را مطرح نمودیم و امید است به تفصیل مسائل مربوط به هر کدام را بررسی نمائیم.

ممکن است ابتدا اینطور فرض شود که از ناحیه زمین هیچ مشکلی بر تولید ما وجود ندارد و آنچه دست و پای آهنگ رشد را در تولیدات کشاورزی بسته است مسائل مربوط به غیر زمین است و یا اینکه چنانچه نوع مالکیت زمین حل شود از این ناحیه مسئله نداریم، اما مشکل قانونی مالکیت زمین در کنار قطعه قطعه بودن اراضی کشاورزی و عدم میل و گرایش به سرمایه‌گذاری بر روی زمین و غیره را می‌توان مطرح نمود که هر کدام بنوعی با مسئله تولید از طریق زمین وابسته شده‌اند.

بنابر آمارهای موجود اراضی دایر کشور حدود ۲۱ میلیون هکتار می‌باشد که تا حدود دو برابر قابل گسترش می‌باشد که تنها ۸۰۰ هزار هکتار از اراضی دایر مشکل قانونی دارند که در حال حاضر حدود یک میلیون نفر روستایی کشور از طریق آن ارتزاق می‌کنند. آیا مشکل کشاورزی و تولید ما فقط حل این معضل می‌باشد؟ که مسلماً جواب منفی خواهد بود و درست است که رفع این مشکل گاهی در جهت رفع محرومیت، کمک شایانی به افزایش تولید خواهد بود خصوصاً اینکه اکثر این اراضی آبی هستند اما مسئله قطعه قطعه بودن بسیاری از اراضی دایر کشور از دیگر معضلات بسیار مهم کشاورزی می‌باشد که چنانچه با توجه به خصوصیات و فرهنگ قومیت‌های کشور این مورد حل شود این حرکت مهمی در تأمین مایحتاج عموم خواهد بود و مشکل دیگری که مستقیماً به زمین مربوط می‌گردد عدم گرایش به سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی است که با توجه به تفاوت چشمگیر نرخ سود در تجارت و صنعت با کشاورزی، وجود سرمایه‌گذاری در این بخش را نیز مختل نموده است و به تبع آن مکانیزه شدن کشاورزی را در رابطه با خصوصیات اجتماعی کشور به اشکال گشاده است. چنانچه گسترش اراضی زیر کشت را نیز در برنامه‌های کوتاه مدت خود نگنجانیم و فقط افزایش تولید را در واحد سطح دنبال

نمائیم، واقعیات موجود گویای این مطلب است که در کوتاهترین زمان ممکن ما به خود کفایتی محصولات استراتژیک خواهیم رسید بعنوان نمونه، حد متوسط تولید گندم در واحد سطح در اراضی دیم حدود ۴۰۰ کیلوگرم در هکتار می‌باشد که بطور آزمایشی در استان باختران حدود ۲/۵ تن از هر هکتار زمین دیم خیز برداشت محصول شده است و چنانچه در ۶/۵ میلیون هکتار اراضی دیم کشور که هر ساله سه: یک کشت می‌روند فاکتورهای اصلاح بذرها، استفاده صحیح از کود و نوع بذر درست را وارد کنیم، بیشتر از مصرف داخلی فقط تولید گندم خواهیم داشت و این چشم‌انداز زیبایی آینده کشاورزی کشور را نشان می‌دهد که ما از طریق سهل و اصولی قادر خواهیم بود در کوتاه مدت به خود کفایتی محصولات اساسی کشور دست یابیم.

براین اساس مشکلات زمین را در بخش اراضی بلا تکلیف که توسط هیئتهای هفت نفره اداره می‌شود و زمینهای دایر کشور بررسی می‌کنیم که اراضی بلا تکلیف را در آینده بررسی خواهیم کرد اما اراضی دیگر را بلا لحاظ نوع مالکیت (دولتی/خرده مالکی، عمده مالکی) که در کشور مطرح است مورد بررسی قرار داده و مسئله سرمایه و مدیریت تولیدی را در کنار صنعت در بخش کشاورزی تفحص نموده‌ایم که در این مورد با برادر لاهیجانیان عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی مصاحبه‌ای بعمل آمده که ذیلاً از نظر خواهد گذشت.

س: باتوجه به توسعه کشاورزی در کشورهای پیشرفته آیا ما قادر خواهیم بود از زمینهای دایر موجود تاحد خود کفایتی محصولات اساسی را برداشت کنیم؟

ج: امروزه خود کفایتی و افزایش محصولات کشاورزی می‌تواند بعنوان یک سیاست دفاعی و یک روش انقلابی مطرح شود، متأسفانه در زمینه کشاورزی آنچه که بعنوان کشاورزی توسط روستائیان بکار می‌رود و غالباً به شیوه‌های سنتی و یا به روشهای غلط مکانیزه انجام می‌شود که باعث کاهش تولیدات و افزایش هزینه کار شده است و در کنار آن بدلیل نبودن تحقیقات صحیح و همپا با نیازهای جامعه که توان پر بازده نمودن محصولات کشاورزی را داشته باشد و همچنین ضعف ترویج اصولی برای اشاعه روشهای ترویجی در کشور و

مشکلات تولید محصولات کشاورزی

قسمت دوم

گفتگو با برادر لاهیجانیان عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی

* با سرمایه‌گذاری در انتقال تکنولوژی از کشورهای دیگر باید امکانات تولید و وسائل مکانیزه و ماشین‌آلات را در سراسر کشور فراهم کنیم و از اینکه نیروهای انسانی آزاد شده در بخش کشاورزی را به چه کاری مشغول نمائیم، خوفی نداریم بلکه با تجهیز نیروهای آزاد شده، از آنان در توسعه مناطق روستائی و در انجام طرحهای عمرانی، در صنایع پشتیبان بخش کشاورزی بهره‌گیریم.



همینطور مشکلات و نابسامانیهای تامین خدمات مورد نیاز بخش کشاورزی و توسعه آنها، دست بدست هم داده‌اند و حرکت بخش کشاورزی را نه تنها کند کرده‌اند بلکه در پیشروی، مشکلات عدیده‌ای را بوجود آورده‌اند که در کنار مسائلی همچون تورم، توسعه بی‌رویه شهرها، ازدیاد سهم سرمایه در بخشهای دیگر اقتصادی، مسئله مهاجرت و تضعیف بخش کشاورزی این مشکلات دوچندان می‌شود، به این لحاظ اگر قرار باشد که بطور جدی به مسئله کشاورزی و تولیدات کشاورزی بپردازیم، در گام اول بایستی به مسئله کشاورزی موجود و حل مشکلات آن پرداخته شود و باید از سرمایه‌هایی که تاکنون صرف شده است بهترین استفاده را ببریم.

میزان هفده میلیون هکتار اراضی آبی و دیمی موجود کشور سرمایه بسیار بزرگی است که حتی این مقدار اراضی در بعضی از کشورهای صادر کننده محصولات کشاورزی وجود ندارد، مسلماً از این میزان باید حداکثر استفاده را برد.

از میزان آبی که در بخش کشاورزی مصرف می‌شود که میزان بسیار بالایی بوده و حتی در بعضی اوقات بی‌رویه از آن استفاده می‌شود و آب موجود که می‌توان آنرا مهار و بطرف زمینهای دایر هدایت نمود، باید استفاده جست، از ضایعات که در مراحل قبل از کاشت، داشت و برداشت بوجود می‌آید.

باید جلوگیری نمود، بایست روستائیان را با دانش جدید کشاورزی آشنا کرده و دولت با همه امکانات و نیروی متخصص خود در این سمت عمل کند تا مشکلات زمینهای دایر در کشاورزی بر طرف شود و بنظر می‌رسد که با حل چنین مشکلاتی و افزایش عملکرد در سطح بسیاری از محصولات را که اکنون در سطح پائینی از تولید قرار دارند بمیزان احتیاج مردم برداشت نمائیم.



بدلیل اختلاف شرایط جوی و جغرافیایی ایران با کشورهای اروپایی و برخی از کشورهای دیگر، که از شرایط مناسب آب و هوایی برخوردارند، بایستی یک نوع سیاست کشاورزی انتخاب کنیم که باتوجه به نوع کشت هر کدام از آنان مشخص گردد که چه محصولی را در چه نقطه‌ای از کشور و بر روی چه نوع از اراضی کشت کنیم.

ما می‌توانیم بسیاری از نیازهایمان را در تولید گندم از روی اراضی آبی بر روی اراضی دیم منتقل کنیم و عملکرد اراضی دیم را ۲ تا ۳ برابر افزایش دهیم، علوفه مورد نیازمان را از سطح اراضی دیم و مراتع کشور تامین کرده و سعی بیشتر کنیم که از اراضی آبی برای کشت محصولات دیگر که هم بر بارزده بوده و از سود بیشتری برخوردار هستند و هم برای کشاورزان بیشتر نفع دارد، استفاده کنیم که کشاورزان به سرمایه‌گذاری بیشتر در بخش کشاورزی ترغیب شوند و همچنین نهایتاً به خود کفائی در حدی که لازم است برسیم، این مطلب قابل توجه است که امر خود کفائی در کشور ما باتوجه به رشد سریع جمعیت نمی‌تواند از یک برنامه دراز مدت حتی ۱۵-۱۰ ساله تبعیت کند، به این دلیل که جمعیت کنونی کشور و نرخ رشد جمعیت حاکی از آن است که در پانزده سال آینده بایک جمعیت ۸۰ میلیونی روبرو خواهیم بود و برای این جمعیت اگر زمینهای دایر به همین میزان کنونی وجود داشته باشد، اولاً اشتغال بر روی این اراضی جمعیت محدودی را خواهد پذیرفت

و باید بقیه افراد جذب بخشهای دیگر اقتصادی شوند و ثانیاً همان زمینهای محدود نیز پاسخگوی نیاز آن میزان جمعیت را نخواهد داشت.

می‌بینیم که استفاده از زمینهای دایر و همچنین مسئله خود کفائی امریست که در کوتاه مدت می‌شود با برنامه‌ریزی به نتیجه مطلوب رسید، اما در بلندمدت ما باید همه تلاش خود را مصروف آن نمائیم تا کشاورزی توسعه پیدا کند و نیروی شاغل بیشتری را مشغول خود سازد. ما نمی‌توانیم اقتصاد کشور را فقط در کوتاه مدت بر محور کشاورزی استوار کنیم بلکه وقتی می‌گوئیم که اقتصاد کشور بر محور کشاورزی استوار است باید در کنار مسئله کوتاه مدت، بلندمدت را نیز در نظر بگیریم چرا که در بلندمدت امر توسعه کشاورزی بسیار حیاتی و اساسی است که می‌بایست بر روی آن فکر شود.

س: زمینهایی که بر اثر عوامل جوی و کمبود بعضی از امکانات اساسی در شرف تبدیل به اراضی غیر قابل کشت هستند و همینطور زمینهایی که غیر قابل کشت هستند، جهاد چه برنامه‌ای برای احیا این زمینها و جلوگیری از غیر قابل کشت شدن اراضی دیگر در نظر دارد؟

ج: جلوگیری از فرسایش خاک و احیای اراضی دو مقوله‌ای هستند که بخشی از آن را جهاد انجام می‌دهد و بخشی نیز در شرح وظایف جهاد نیست، احیای اراضی در وظایف جهاد است، هر مکانی که با کمبود آب روبرو باشد، چه از طریق برنامه مهار و هدایت آبهای سطحی و چه از طریق تامین آبهای زیرزمینی و لایروبی و مرمت قنات و استخرها، می‌توان آب را تامین کرد، هدف ما در این است که آب را تامین کنیم و بطور جدی در این زمینه اقدام شده است و جهاد سازندگی تاکنون موفق به هدایت ۴ میلیارد متر مکعب آب در روی زمینهای زراعی شده است و این بعنوان یک



گام اساسی در احیاء اراضی مطرح است. البته بعضی از مناطق کشور این استعداد تأمین آب را ندارند و منابع زیرزمینی آبشان بسیار محدود است و حتی از میزان آبی که به سفره‌های زیرزمینی تزریق می‌شود تجاوز کرده است مثل مناطق استان یزد و کویری و مناطق دیگر که امکان توسعه زمینهای آبی و تأمین آب نمی‌باشد و در برنامه‌های آینده هم در زمینه احیاء بطور وسیع و گسترده مشغول طراحی هستیم که انشاءالله در این زمینه‌ها بتوانیم با حرکت‌های مؤثر و جهادی در احیاء اراضی خصوصاً در خوزستان تلاش کنیم.

اما در زمینه جلوگیری از فرسایش خاک یا نفوذ شنهای روان به اراضی حاصلخیز، تثبیت شنهای روان جزو وظایف جهاد سازندگی نبوده و این امر بر می‌گردد به سازمان جنگلها و مراتع که زیر نظر وزارت کشاورزی است و پیشنهاد ما بر این بوده است که تا آنجا که امکان دارد با آنها همکاری کنیم.

س: بنظر شما چه شیوه‌هایی در نظام کشاورزی باید اتخاذ گردد تا نرخ سود در سرمایه بخشهای مختلف اقتصادی را با کشاورزی همگون سازد؟

ج: در تولید ناخالص ملی سهم سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی بسیار پایین است و در عوض بخش تجارت و خدمات از سهم زیادی برخوردارند که حاکی از سرازیر شدن پول حاصل از فروش نفت به این بخش است که موجب تورم نیز شده است، که این امر از رژیم گذشته بما به ارث رسیده است. اکنون تلاش جمهوری اسلامی در این است که سهم ۶۷٪ بخش خدمات و تجارت را در فعالیتهای اقتصادی کاهش دهد. متأسفانه بخشی از تورم، حاصل فعالیتهای گسترده بخش تجارت و بخش خدمات است، بدون اینکه تولیدات کشور افزایش پیدا کند. فروپاشی نظام تولید در کشور نیز عمدتاً از سرازیر شدن منابع درآمد حاصل از فروش نفت سرچشمه می‌گیرد، چه آنکه سهم درآمد نفت تا ۸۰٪ سهم درآمدهای کشور را تشکیل می‌دهد، این امر از خود مسئله اقتصادی کشاورزی فراتر است که ما در بخش کشاورزی کاری کنیم که بتواند سود حاصل از سرمایه‌گذاری آن با بخشهای دیگر اقتصادی رقابت کند بلکه در این مورد اقتصاد کلان مملکت مطرح است، ما باید چه میزان پول در جامعه تزریق کنیم حال این پول می‌خواهد حاصل فروش نفتمان باشد و چه از محل درآمد تولیدات داخلی باشد، هر میزان که بتوانیم تعادل بین فروش منابع ملی و تولیدات داخلی بوجود آوریم، خواهیم توانست تعادل در بخشهای مختلف اقتصادی بوجود بیاوریم و بنظر می‌رسد که اگر سطح سرمایه‌گذاری را در بخش کشاورزی و بخش پشتیبان کشاورزی در تولیدات صنعتی



بالا ببریم، سهم سود را در این سرمایه‌گذاری بالا خواهیم برد و البته نظام کشاورزی باید ظرفیت چنین سرمایه‌گذاری را داشته باشد. اگر در نظام کشاورزی جمعیت و یا نیروی انسانی متمرکز بر روی اراضی از حد معقولی خارج شود، عملاً امکان سرمایه‌گذاری‌های گسترده بر روی آن اراضی را پیدا نخواهیم کرد، اگر اراضی بگونه‌ای تقسیم شوند که نتوان سرمایه‌گذاریهای اساسی بر روی آنها کرد امکان افزایش سهم سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را نخواهیم داشت، اگر شیوه‌های جدید مکانیزاسیون را در اقتصاد کشاورزی بکار نیندیم امکان توسعه نخواهد بود و همچنین اگر به صنایع زنجیره‌ای در بخش کشاورزی و به تولیدات ماشین‌آلات و ادوات مورد نیاز بخش کشاورزی اهمیت داده نشود، ما نخواهیم توانست سهم سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را در فعالیتهای تولیدی-صنعتی مرتبط با این بخش را افزایش دهیم و همه گفته‌های فوق ناشی از یک نظام فرسوده سنتی گذشته است که رژیم گذشته هم سعی در تخریب آن داشته است و اکنون ما باید در جهت رشد و شکوفائی و فراهم آوردن شرایط سرمایه‌گذاری در جهت بدست آوردن سود بیشتر در این بخش تلاش کنیم که آن موقع است که می‌توانیم بگوئیم که سود سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی می‌تواند با بخشهای دیگر اقتصادی رقابت کند، و اگر بخواهیم به گونه‌ای حالت‌های ترمز کننده و کنترل‌کننده بخشهای دیگر بخش کشاورزی را رشد دهیم، شاید صدمات و لطمات

جبران‌ناپذیری بر بخشهای دیگر اقتصادی وارد آید. پس ما باید در جهت فراهم آوردن زمینه‌ها و هموار کردن راه سرمایه‌گذاری در

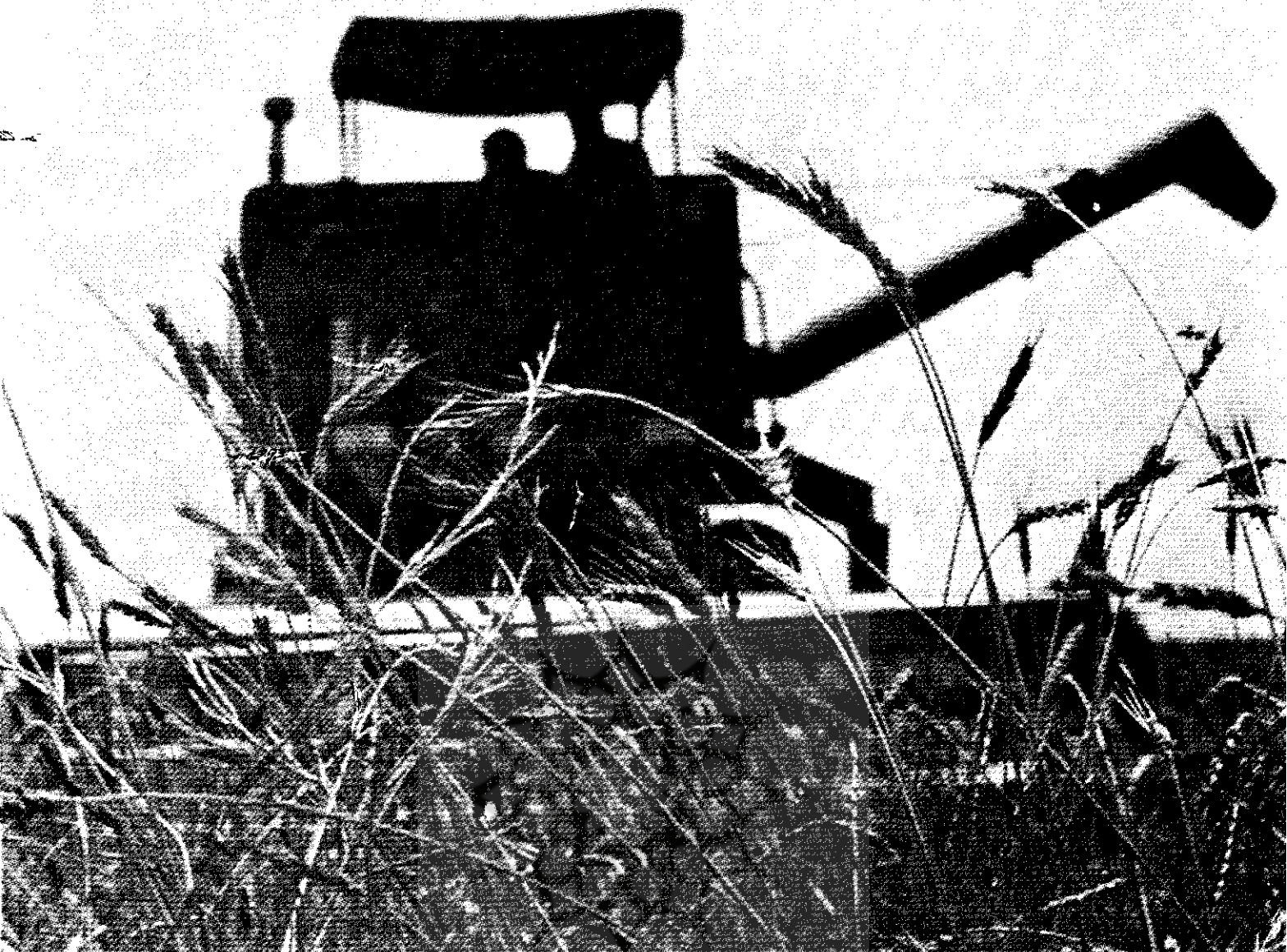
بخش کشاورزی بیشتر تلاش کنیم تا حرکت بخشهای کشاورزی بطور طبیعی انجام شود.

س: کشاورزی ما تا چه میزان مجاز است مکانیزه شود و در صورت اجرای آن برای نیروهای آزاد شده از بخش کشاورزی چه برنامه‌هایی باید اتخاذ نمود؟

ج: متأسفانه در کشور ما با مسئله مکانیزاسیون کشاورزی تاکنون برخورد اصولی نشده است و دیدگاههای متنوعی هم وجود داشته است، از جمله بعضی‌ها بدلیل حضور ماشین از دو بعد کم کردن نیروی شاغل و وابستگی تکنولوژی سعی کرده‌اند با این مسئله مخالفت کنند، در صورتی که بخوبی روشن است که ما اکنون باید برای پیشبرد اقتصاد کشاورزیمان به تولید ارزان و پر حجم رو کنیم و گرنه «اقتصادی» نخواهد بود که ما بر روی اراضی با نیروی انسانی گرانقیمت محصولات کم بازده و با میزان تولید کم کشاورزی را روی پا نگهداریم و قابل رقابت با صنعت کنیم، امروزه تولید گندم آبی بین ۱/۳ تا ۱/۵ تن در هکتار است که البته آمارهای رسمی تا ۱/۸۰۰ تن را هم نشان میدهند اما این میزان تولید عملاً هیچگونه صرفه اقتصادی ندارد در مقابل آن محصولات صیفی می‌تواند پنج برابر این میزان سود حاصل کند اگر نوع بذور مصرفی اصلاح نگردد و میزان ماشین‌آلات مورد نیاز که باید جایگزین نیروی انسانی گرانقیمت شود، تهیه نشود و اگر اراضی متناسب با کشت در اختیار کشاورزان نباشد و روشهای ترویجی رعایت نشود، ما کشاورزی معقولی نخواهیم داشت در مورد پنبه، چغندر و ذرت باید به کشتهای مکانیزه

متناسب با شرایط داشتی که در مناطق مختلف وجود دارد و امکاناتی که برای تولید در مناطق فراهم است با یسد مکانیزاسیون را برای

کشاورزی تجویز کنیم و به همراه آن به فکر انتقال تکنولوژی مورد نیاز آن در کشور باشیم. با سرمایه‌گذاری در انتقال این تکنولوژی از کشورهای دیگر که خیلی هم پیچیده نیست به کشورمان، تولید وسائل مکانیزه و ماشین‌آلات را در سراسر کشور فراهم کنیم و از اینکه نیروهای انسانی آزاد شده در بخش کشاورزی را به چه کاری مشغول نمائیم، خوفی نداریم چون اگر این نیروها را از روی اراضی آزاد نکنیم کشاورزی در اینگونه اراضی به هیچوجه مقرون بصرفه نخواهد بود، به همین دلیل است که با عدم اهمیت به این موضوع نیروهایی که بطور غیرمجاز بر روی اینگونه اراضی کار می‌کنند و جمعیت زیادی



البته باید در مکانیزاسیون نیز توجه داشت که میزان قوه اسب ماشین که بر روی زمین می‌خواهد بکار گرفته باشد غیراقتصادی نباشد که بجای آنکه نیروی محرکه مازاد بکار گیریم و باعث اتلاف انرژی و سرمایه بشود.

س: در نهایت رابطه صنعت با کشاورزی چگونه خواهد بود؟

ج: اینهم جزو مقولاتی است که در کنار بحث مکانیزاسیون وجود دارد، ما با مسئله صنعت نباید بعنوان رقیب کشاورزی برخورد نماییم و همچنین نباید صنعت با کشاورزی اینچنین برخوردی کند، بلکه صنعت می‌تواند تمامی نیازمندیهای بخش کشاورزی را تأمین نماید، البته عمدتاً صنعت در ایران از یک چنین ترکیبی برخوردار نیست، بلکه ترکیب آن بیشتر در تأمین لوازم مصرفی بوده و حتی ظرفیتهای اسمی تولیدات این کارخانجات بیش از نیاز مردم می‌باشد که برای صادرات استفاده می‌شود، که ما با صادرات محصولات

کشاورزی بعنوان خطر برای کشاورزی دانست و در نتیجه از مکانیزاسیون جلوگیری کرد.



*** فروپاشی نظام تولید در کشور عمدتاً از سرازیر شدن منابع درآمدی حاصل از فروش نفت که ۸۰٪ سهم درآمدهای کشور را تشکیل می‌دهد سرچشمه می‌گیرد و این امر از خود مسئله اقتصاد کشاورزی فراتر است و اقتصاد کلان مطرح است، ما هر میزان که بتوانیم تعادل بین فروش منابع ملی و تولیدات داخلی بوجود آوریم، خواهیم توانست تعادل را در بخشهای مختلف اقتصادی ایجاد کنیم.**

را هم به لحاظ اقتصادی تشکیل می‌دهند، عملاً مجبور می‌شوند که درآمد خودشانرا از روی این اراضی بواسطه کشت محصولات غیراستراتژیکی بدست بیاورند، باید نیروهای آزادشده را تجهیز نمود تا در توسعه مناطق روستایی و درانجام طرحهای عمرانی، در صنایع متناسب و پشتیبان بخش کشاورزی در صنایع روستایی، در صنایع تولیدکننده ادوات و ماشین‌آلات مورد نیاز بخش کشاورزی و در بخش خدمات مورد نیاز روستائیان از آنان بهره گیریم. در کشورهای جهان سوم از جمله کشور خودمان همیشه نیروهای آزادشده و خوش‌نشین وجود داشتند که آنان عمدتاً از

بخش کشاورزی جذب بخش خدمات، تجارت و واسطه‌گری در شهرها شده‌اند که باید از این امر جلوگیری کنیم چرا که زمینه‌های سرمایه‌گذاری در روستا و جذب نیروها در بخشهای مختلف دیگر که پشتیبان کشاورزی و توسعه مناطق روستایی باشند می‌تواند بسیار مؤثر باشد و نباید آزادشدن نیروها را از بخش



صنعتی آنان سعی کنیم که ارز مورد نیاز کشور را تهیه کنیم و نان و گوشت کشورمان را از خارج وارد کنیم، این حاکی از دیدگاه صنعت، رقیب کشاورزی است سرچشمه

می‌گیرد. اگر صنعت در جهت تکمیل نیازمندیهای بخش کشاورزی کار کند و بطور معقول در حد نیازهای مصرفی و تولیدی سرمایه‌گذاری شود

به هیچوجه نمی‌تواند با کشاورزی تباین داشته باشد، از طرف دیگر امکان اشتغال چه در دراز مدت و چه در کوتاه مدت در بخش کشاورزی برای همه نیروهای مازاد وجود ندارد بلکه می‌بایست در قطبهای دیگر اقتصادی کشور بکار گرفته شوند و صنعت بهترین وسیله‌ای است برای نیل به این منظور و از صنعت نهایتاً با محور قرار گرفتن کشاورزی می‌توان سود جست.

سود حاصل از بخش صنعت گرچه دارای ارزش افزوده بالایی است اما نباید بعنوان یک خطر و رقیب برای بخش کشاورزی دیده شود، بطور خلاصه نیاز ما به صنعت گرچه نیازی اساسی و ضروری است ولی ما همچنان به کشاورزی، بعنوان سیاست محوری نگاه می‌کنیم. ما اگر بخواهیم به اشتغال، درآمد، تامین نیازهای مکانیزه و ماشین‌بخش کشاورزی، صنایع زنجیره‌ای بخش کشاورزی که متأسفانه بدان بها داده نشده و تولید نهاده‌های کشاورزی بیاندیشیم به صنعت بسیار نیازمندیم و باید صنعت در این جهت شکل گیرد و نهاده‌های کشاورزی، ماشین آلات و ادوات مورد نیاز بخش کشاورزی را تولید کند، صنایع زنجیره‌ای آن در رابطه با بخش کشاورزی باشد تا بخشی از درآمد روستائیان را تامین کند. این تجربه در کشورهای دیگر دنیا نیز وجود داشته است، جهاد باید تمام تلاش خود را در بخش صنعت بر این گذارد که صنایع متناسب با روستا و کشاورزی در روستاها دایر کند تا با اهداف ایجاد اشتغال مولد و همچنین درآمد مکفی برای روستائیان بتواند نقش موثری را بازی کند. و خوشبختانه جهاد تا کنون به تجربیاتی دست یافته است که اکنون مشغول طراحی و اجرا و ادامه تحقیقات است که انشاءالله از صنایع روستائی در کشور بطور گسترده‌ای استفاده شود.

س: با توجه به مشکل زمینهای بلاتکلیف چند چیز است که باید بدانان توجه شود، اولین مشکل این است که نیروی انسانی که بر روی این نوع اراضی هستند جمعیتی حدود یک میلیون نفر را تشکیل می‌دهد، که اکنون بطور موقت از این اراضی استفاده می‌برند و

هرگونه تصمیم‌گیری برای این اراضی سرنوشت یک میلیون نفر از جمعیت روستائی را تعیین می‌کند مشکل دوم در بی‌ثباتی مالکیت این نوع اراضی است که عملاً از سرمایه‌گذاری اساسی برای این اراضی جلوگیری می‌کند مشکل سوم میزان این اراضی که نسبت به مجموعه اراضی کشور عدد کلانی را تشکیل نمی‌دهد اما ایجاد عدم امنیت در سرمایه‌گذاری در اراضی دایر بوجود آمده و با توجه به اینکه بهترین زمینها نیز می‌باشد باعث کاهش تولید نیز شده است. بهر حال با بررسی همه جنبه‌های این مسئله بایستی تصمیم‌گیری شود و این قضیه زمان طولانی به خود نگیرد، بهر حال باید روشهای طبیعی و سالمی برای تملک زمین و نوع سرمایه‌گذاری بر آن اعمال شود. وجود زمینهای بلاتکلیف خود عاملی در عدم وجود امنیت بر روی اراضی دیگر بخش کشاورزی است و حل مشکل



*** میزان هفده میلیون هکتار اراضی آبی و دیمی موجود کشور، که حتی این مقدار اراضی در بعضی از کشورهای صادر کننده محصولات کشاورزی وجود ندارد، سرمایه بزرگی است ولی بعلت بکارگیری شیوه‌های سنتی و روشهای غلط مکانیزه و نبودن تحقیقات صحیح و همپا با نیازهای جامعه در جهت بالا بردن توان بازدهی محصولات کشاورزی وضعف ترویج اصولی و تامین خدمات ضروری بخش کشاورزی نه تنها حرکت بخش کشاورزی را کند کرده‌اند بلکه مشکلات عدیده‌ای را نیز بوجود آورده‌اند.**

زمین نه تنها حل مشکل زمینهای بلاتکلیف است بلکه حل کلی وضعیت بلاتکلیفی بر روی کلیه اراضی کشور و باید که باترسیم قانون آن برای همیشه این مشکل حل شود، که اولاً کلیه زمینهای دایر که در دست روستائیان می‌باشد برای همیشه از آن استفاده کنند و هیچگونه تزلزلی برای زمینهای دایر موجود کشور بوجود نیآوریم. و معاملات صحیح و شرعی مثل مزارعه و مساقات و اجاره را در روستاها جاری سازیم. تکلیف زمینهای که دارای سند هستند و عده‌ای غاصبانه آن

اراضی را تصرف کرده‌اند دولت باید با ابطال اسناد نسبت به واگذاری آن اقدام کند و همچنین اگر باصاحبان زمینهای بایری که خود رامالک می‌دانند و روی اراضی کشاورزی فعالیت کشاورزی نمی‌کنند، برخورد مشخص و اصولی شود، می‌توان تاحدودی مشکل زمین را در کشورمان حل کرد. تا زمان حل این مسئله پیشنهاد می‌کنیم که مدت واگذاری این اراضی از مدت کوتاهی که اکنون مقرر شده و زمین در این مدت واگذار می‌شود بیشتر شود تا حداقل کشاورزان بتوانند سرمایه‌گذاری کمی بلند مدت بر روی این اراضی کنند تا بهترین استفاده را از آن برند. ضمناً موضوع عرف و محدودیت در این زمینه نیز باید تجدید نظر گردد که امکان سرمایه‌گذاری بیشتر را ایجاد نمود.

مطلب دیگر این است که روش مدیریت کشاورزی با روش مالکیت زمین تفاوت دارد و باید آنها را تفکیک کنیم و باید به این مسئله نیز توجه کنیم که روش مدیریت با فرهنگ جامعه و نوع مدیریت که در بخش کشاورزی وجود داشته است انطباق کند. روشهای مختلفی در زمینه مدیریت در کشورهای مختلف دنیا انجام داده‌اند، ایجاد تعاونیهای تولید، یکپارچه کردن اراضی و یا روشی که توسط هیئت‌های هفت نفره بعنوان مشاع بکار رفته است.

مدیریت در کشاورزی رابطه مستقیمی با مسئله تولید و افزایش عملکرد داشته و رابطه غیر مستقیمی با مالکیت دارد و باید با حفظ مالکیت اشخاص بر روی اراضی سعی کنیم از روشهای مدیریتی استفاده کنیم که هزینه را کاهش دهد، امکانات را در اختیار همه قرار داده و عملکرد را افزایش دهد، حال در هر منطقه متناسب با فرهنگ و دانش روستائیان آن مناطق یک نوع شیوه مدیریت را بکار بست، ما باید بطور جدی از نوشتن نسخه‌های یکسان مدیریت برای همه مناطق کشاورزی جلوگیری کنیم و همچنین از کپی کردن نوع مدیریتهایی که در کشورهای شرقی یا غربی برای مدیریت اراضی استفاده می‌شود شدیداً پرهیز کنیم، هر نوع مدیریت پیچیده جدای از مدیریت فردی در تولید و هر نوع روش دیگر دقیقاً بستگی به دانش کشاورزان دارد.

در بخشهای صنعت و کشاورزی که کمی پیشرفته‌تر بوده و در حد کشت و صنعت است و یا در بخش تجارت، مدیریت اقتصادی با شیوه‌های تعاونی، شرکتهای سهامی خاص و عام و شیوه‌های مختلف دیگر اداره می‌شود، پیشرفت این شیوه‌ها نسبت به شیوه‌های انفرادی بدلیل بالا رفتن دانش کسب و تجارت در شاغلین آن بخشها است. پس باید برای انتقال دانش مدیریت به روستاها فکری کرد. همچنین مانمی‌توانیم یک نوع مدیریت را برای

همه مناطق نسخه پیچی کنیم، چنانچه روشهای تجویز شده چه در رژیم گذشته و چه به مدداز انقضا

همواره موفق نبوده‌اند و شاید در رژیم گذشته با پشتیبانیهای بی‌رویه در بعضی نقاط موفق از آب درآمده باشد، شرکتهای سهامی زراعی، قطبهای کشاورزی بدلیل اینکه نتوانستند انطباقی با فرهنگ و دانش روستائیان در مدیریت بوجود آورند عملاً با شکست برخورد کرده‌اند، پس ما باید با استفاده از تجارب گذشته، روشهایی را اتخاذ کنیم که در دنیا و همچنین در کشور خودمان تجربه شده است و با توجه به آداب و رسوم و دانش هر منطقه و در شرایط مناسب از نوع مناسب آن استفاده کنیم و همچنین باید روستائیان با انواع مدیریتها، دانش کشاورزی و با دانش مدیریت کشاورزی که از مسائل عمده‌ای است آشنا شوند.

س: عدم حل مشکل مالکیت اراضی بلاتکلیف چه اثری بر آهنگ رشد کشاورزی خواهد گذارد؟
ج: همانطور که گفتم این اراضی تاثیر

بزرگی در اشتغال یک میلیون نفر مردم دارد که بر روی آن اراضی هستند، عدم سرمایه‌گذاری بر روی این میزان زمین، مشکلاتی چون عدم امنیت در بخشهای دیگر دربر خواهد داشت و از لحاظ فیزیکی نیز در رشد کشاورزی تاثیر خواهد داشت، یعنی ۸۰۰ هزار هکتار اراضی بلاتکلیف اگر بتوان بطور جدی در تولیدشان اقدام کرد گامهای بلندی را در کشاورزی خواهیم برداشت، البته اینطور نیست که اگر ما بر روی این اراضی سرمایه‌گذاری نکنیم و تولید را بالا ببریم مسئله‌ای پیش بیاید، بلکه اقدام در میزان تولید این اراضی حل مشکلات هفده میلیون اراضی کل کشور را بدنال خواهد داشت. بطور مثال در خوزستان ۱۳۵ هزار هکتار اراضی بلاتکلیف وجود دارد در حالیکه کل اراضی دیم و آبی خوزستان نزدیک به یک میلیون هکتار می‌باشد و با انتقال و هدایت آبهای موجود در خوزستان توسعه‌ای به همین میزان بدست آوریم، متوجه می‌شویم که حل مشکل ۱۳۵ هزار هکتار بخودی خود نمی‌تواند نقشی داشته باشد اما همانطور که

گفته شد اثراتش بر روی اراضی دیگر نیز می‌باشد. این نکته را باید مورد توجه قرار داد که ما باید برای حل مشکلات جوامع تلاشمان را بر آن گذاریم که مسائل را از هم تجزیه کرده و ریشه‌یابی کنیم. آن مسائلی که دارای ریشه‌ها و مشکلات مشترک می‌باشند جمع‌بندی کرده و راه‌حلهای مشترک برایشان فراهم کنیم، برای مثال نوع مالکیت اراضی در خوزستان با نوع و مشکل مالکیت اراضی گنبد و گرگان تفاوت دارد و لزومی ندارد که ما همواره یک نوع قانون برای همه مشکلات مناطق تهیه کنیم، بلکه ما می‌توانیم با مسئله مالکیت اراضی شکل منطقه‌ای برخورد کرده و با تشکیل هیئتهای صاحب صلاحیت علل بوجود آمدن چنین مشکلاتی را بررسی کنیم و در شرایط خاص خود آن مناطق سعی کنیم مشکلات را حل کنیم و از طرف دیگر هیئتهای حل اختلاف و هیئتهای حل مشکل مالکیت نیز باید حائز صلاحیت‌های لازم قضائی و شرعی باشند تا بتوانند بطور دقیق و بر اساس موازین شرعی و قانونی این مشکلات را حل کنند. «والسلام»



بقیه از صفحه ۷

قلعه‌ها می‌کشیده‌اند و با این عمل ضمن آنکه آب مشروب قلعه یا مساجد را که محل سکنی و تردد بوده است، تأمین می‌کردند و روش تهیه سزی آب را برای شهرهایی که امکان هجوم مهاجمین به آنها زیاد بود از دشمن پنهان نگه می‌داشتند.

«..... بسیاری از کاربازها در مسجدها و قلعه‌ها ظاهر می‌شده است و هم‌اکنون نیز نمونه‌های بسیار زیادی وجود دارد که نشان دهنده این مسئله است.»

فی‌المثل در ۹ کیلومتری شرق نائین قلعه‌ای است که بنیادش را به کیخسرو شاه ایران نسبت می‌دهند. این قلعه به وسیله یک راه آب زیرزمینی به مسجد جامع قدیم نائین متصل است و البته پایاب اولیه یکی از قدیمی‌ترین قناتهای نائین نیز در این مسجد بوده است. آب قنات «شورو» نیز کسه قدیمی‌ترین قنات خوروبابانگ است، مستقیماً به قلعه قدیمی، که در مجاورت مسجد جامع بوده، می‌آمده است و از فاصله‌ای دور از «خور» نیز دهانه چاهها مشخص

بقیه در صفحه ۹



*** آنچه بنظر محتمل می‌آید این نکته است که نه تنها کاریز زائیده فکر ایرانی است بلکه این فن در «فلات ایران» به تکامل رسیده و از اینجا ریشه گرفته است.**

بگذرد، مقصود اینست که قنات در طی هزار سال صدها بار ته زنی و لایروبی شده و هر بار که زه پائین نشسته و یک قشر خاک گل تازمای از آن برداشته‌اند و لایروبی کرده‌اند، طبعاً ممر و مسیر آن بتدریج آنقدر گشاده و وسیع شده که وقتی سوار با اسبش توانسته‌اند در آن عبور کنند...

و به حساب یک نفر فرنگی در حدود ۳۵ هزار کیلومتر قنات در زیرزمین حفر کرده‌ایم. همه اسمهای این قنات آنقدر قدیم و دیرینه است که از عهد فرس باستان و هخامنش پیشتر می‌رود. همه پنج شش هزار ساله است. ما قنات در کرمان داریم که هفت فرسنگ و نیم ممر آب دارد و ما در چاه آن ۱۴۵ متر عمق دارد. ذکر نکته‌ای که بسیار حائز اهمیت است اینستکه، بر طبق شواهد تاریخی و با استناد به بررسیهای باستان‌شناسی و نوشته‌های مورخین و نویسندگان، ایرانیان مظهر بسیاری از قناتهای احداث شده را بدخل مساجد و یا

